

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۳۰

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هشتم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۹۸

## نقد و بررسی تصویر دجال گونه از حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ

### در اندیشه ولید شعیبات

حسن کریمی<sup>۱</sup>

سید محمد سلطانی<sup>۲</sup>

#### چکیده

ولید شعیبات، یکی از نویسندگان مقیم آمریکا است. وی بنا بر ادعای خویش سابقاً مسلمان بوده و در فلسطین اشغالی به دنیا آمده و در زمره مبارزان علیه اسرائیل بوده است. شعیبات اکنون به دین مسیحیت گرویده و به طرفداری از رژیم غاصب صهیونیستی و مخالفت با فعالیت‌های گروه‌های حماس، حزب الله و جهاد اسلامی پرداخته است. او فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه مهدویت و آخرالزمان اسلامی در غرب داشته است. از جمله این فعالیت‌ها تدوین کتاب مستقلی به نام *نبرد خدا با ترور/ اسلام، نبوت و عهدین* (God's War on Terror; Islam, Prophecy and the Bible) است که در آن به تبیین دو نظریه‌ی «از یازده سپتامبر تا ۶۶۶» و «جایگاه اسلام در طرح خداوند برای آخرالزمان» پرداخته است. وی در این کتاب به زعم خویش تشابه بسیار زیاد میان شخصیت «مهدی» در اسلام و ویژگی‌های «دجال» در عهدین را به تصویر کشیده و ادعا می‌کند این تشابهات به قدری زیاد است که احتمال

۱. پژوهشگر مهدویت مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام، دانشجوی دکترای مهدویت مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم.

۲. پژوهشگر تاریخ اسلام مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام، دانشجوی دکترای تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام قم.  
(s.mohammad.soltani@gmail.com)

تصادفی بودن همه آنها بسیار کم و غیرقابل توجه است. از جمله موارد ادعایی وی می‌توان به تشابه مهدی و دجال در انکار عقیده تثلیث، توهین به مقدسات مسیحیت، ادعای مسیح بودن، تغییر قوانین، نقض حقوق زنان، تلاش برای نابودی اسرائیل، فتح اورشلیم، برخورداری از ذات نورانی، ارائه معجزه، استفاده از ثروت و نیروی نظامی، به‌راه‌انداختن جنگ برای به‌دست آوردن غنائم اشاره نمود. در این نوشتار با دسته‌بندی موارد ادعایی فوق، اشکالات وارده به هر دسته تبیین شده است؛ این اشکالات عبارتند از: غیرمستند بودن به روایات اسلامی، عدم توجه به روایات شیعه، عدم توجه به تعارض روایات آخرالزمان، عدم ارتباط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، استناد به روایات ضعیف و غیره. بنابراین از سی و چهار مورد تشابه مورد ادعای وی، تعداد بسیار کمی واقعیت دارد که این تعداد نیز نمی‌تواند ادعای او را اثبات نماید زیرا برای مثال، نیروی نظامی توسط همه جبهه‌های حق و باطل مورد استفاده واقع می‌شود و این شباهت نمی‌تواند نشانه یکی بودن این دو جبهه قلمداد شود.

#### واژگان کلیدی

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، دجال، ضد مسیح، ولید شعبیات، عهدین.

#### مقدمه

دشمنان اسلام برای پیشبرد اهداف خویش سه گام اصلی را پیش گرفته‌اند که عبارت است: انکار، تحریف و تخریب اعتقادات اسلامی. این جریان دوره‌های سه‌گانه‌ای را پشت سر گذاشته است:

**دوره اول:** مبارزه با کتاب مقدس مسلمانان (قرآن کریم)؛

**دوره دوم:** تخریب وحدت امت اسلامی و ایجاد جدال و تفرقه بین فرقه‌های مختلف، مانند ایجاد و حمایت از گروه‌های تندرو مانند داعش و غیره؛

**دوره سوم:** تحریف شخصیت و اهانت به اولیاء و پیامبران الهی.

در دوره سوم (۲۰۰۳ م تا ۲۰۱۰ میلادی) با به‌کارگیری جلوه‌های سمعی و بصری به شخصیت‌های مهم اسلام مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه توهین‌های شرم‌آوری صورت گرفت. برای نمونه کاریکاتورهای زنده‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله به تصویر کشیده شد و بارگاه و گنبد و گلدسته‌های مقابر اولیای الهی مورد تمسخر و استهزاء واقع گردید.

در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت فوق‌العاده آموزه مهدویت در هویت بخشی به جریان‌های اسلامی و ایجاد شور و نشاط در جامعه اسلامی، این آموزه مورد هجوم بسیار شدید دیگری واقع گردید. یکی از مهم‌ترین آثار این دوره کتاب *نبرد خدا با ترور؛ اسلام، نبوت و عهدین* (God's War on Terror; Islam, Prophecy and the Bible) است. این کتاب در واقع پس از ناامیدی دشمنان از گرفتن عقیده اثربخش مهدویت از مسلمانان تألیف گردیده و هدف آن تحریف شخصیت حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تخریب ذهن مسلمانان نسبت به این آموزه است. این اثر را می‌توان در ضمن پروژه عظیم تری دید که به دنبال این است که آموزه انتظار را که آثار و پیامدهای شگفت و معجزه‌آسا و مثبتی دارد را به انتظار منفی و تلخ و ناگوار تبدیل کند.

این نوشتار از چهار بخش عمده تشکیل شده است. در بخش اول تاریخ چه شکل‌گیری نظریه انحرافی شباهت مهدی موعود و دجال به طور مختصر آمده و در بخش دوم به تبیین شخصیت ولید شعیبات (نویسنده کتاب فوق) و پیشینه فکری او پرداخته شده است. دو بخش بعدی به ترتیب به تبیین و نقد افکار و آراء او پیرامون شباهت‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سنت اسلامی و ضد مسیح (دجال) در سنت یهودی و مسیحی اختصاص یافته است.

### پیشینه بحث

تاریخ چه تصویرپردازی خیالی از اسلام به عنوان یک دین شیطانی و معرفی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان ضد مسیح (دجال) به قرون وسطی بازمی‌گردد. مسیحیانی که عمدتاً از طریق فتوحات خلفا با اسلام آشنا می‌شدند، بیشترین نمود این دین را خشونت و جنگ می‌دیدند و این مسئله در آثار آنان پیرامون اسلام و پیامبران بازنتاب می‌یافت. (Di Cesare, 2011, p.2)

با گسترش دانش مطالعات اسلامی در سده‌های اخیر این نظریه بسیار کم‌رنگ شده بود تا این که نظریه ضد مسیح اسلامی به صورت رسانه‌ای در غرب گسترش یافت و امروزه به عنوان یک چالش بین‌المللی مهدویت محسوب می‌شود. معمولاً مستشرقانی که این ایده را دارند افراد محقق نیستند بلکه آنها ژورنالیست و روزنامه‌نگارانی هستند که با هدف تخریب پایه‌های اسلام به میدان آمده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به نویسندگانی همچون: لئوهومن،

ریچاردسون، شعیبات و روزنبرگ اشاره نمود. اینان علاوه بر انتشار کتاب، به فعالیت در سایت‌ها و سخنرانی و شرکت در سمینارها به گسترش علیه مهدویت و اسلام می‌پردازند و هدف آنها - همان‌طور که در یکی از سایت‌های خودشان آمده است - فراهم نمودن تمام مایحتاج مسیحیان برای جذب مسلمانان به سمت مسیحیت است (<http://www.i2ministries.org>). ریچاردسون نیز دو کتاب در همین موضوع با عنوان *ضد مسیح: منجی مورد انتظار اسلام* (Antichrist: Islam's Awaited Messiah) و *ضد مسیح اسلامی: حقایقی تکان‌دهنده درباره ماهیت واقعیت هیولا (جانور)* (Islamic Antichrist: The Shocking Truth About the Real Nature of the Beast) را به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ م به رشته تحریر درآورد. ولید شعیبات نیز بعد از ورود به آمریکا و با همکاری ریچاردسون و گروه او، این ایده را به صورت مدون در کتاب *نبرد خدا با ترور: اسلام، نبوت و عهدین* (God's War on Terror; Islam, Prophecy and the Bible) که موضوع این نوشتار است تکرار نمود و سعی نمود ابعاد بیشتری به آن ببخشد.

### شخصیت ولید شعیبات

ولید شعیبات، بنابر ادعای خویش، عضو سابق سازمان آزادی‌بخش فلسطین و مسلمان فلسطینی بود. او پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ م به صورت علنی به مخالفت با اسلام، گروه حماس، حزب‌الله لبنان، القاعده و مجاهدین مسلمان پرداخت و حمایت خویش را از کشور اسرائیل اعلام کرد. او مدعی شده است که از نوجوانی به سازمان آزادی‌بخش فلسطین پیوسته و حتی در چند عملیات از جمله بمب‌گذاری در یک بانک اسرائیلی شرکت کرده است و بعد از آن چند سالی را در زندان‌های اسرائیل زندانی بوده است. وی بعد از واقعه یازده سپتامبر، خود را به عنوان کارشناس تروریسم معرفی کرده بود و رسانه‌های مهم غربی هم‌چون بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان، وی را به عنوان مهمان در برنامه‌های خود دعوت کردند. (Shoebat, 2008, p.1)

### مروری بر آراء شعیبات پیرامون شباهت مهدی و دجال

شعیبات در فصل دوازدهم تا پنجاه و یکم کتاب *نبرد خدا با ترور: اسلام، نبوت و عهدین* به زعم خویش تشابه بسیار زیاد میان شخصیت «مهدی» در اسلام و ویژگی‌های «دجال» در عهدین را در ۱۳۰ صفحه به تصویر کشیده و ادعا می‌کند این تشابهات به قدری زیاد است که احتمال تصادفی بودن همه آنها بسیار کم و غیر قابل توجه است. (Shoebat, 2008, 52) وی پیش از

بیان تشابهات به ایراد چند نکته پرداخته است:

بنابر روایات اسلامی، مهدی به صورت یک شخصیت مذهبی مبهم ظهور نمی‌کند بلکه او به دنبال احیای سازمان و جایگاه خلافت است. اسلام به طرفداران او فرمان می‌دهد که حتی اگر لازم باشد بر روی یخ (و به سختی) بخرزند و با او بیعت کنند چراکه او خلیفه خداست که دولت خانواده (یا امت) محمد ﷺ را ایجاد خواهد نمود. (Shoebat, 2008, 52)

مسلمانان ادعا می‌کنند در قرآن هیچ آیه‌ای درباره لزوم جهاد ابتدایی در جهان امروز وجود ندارد و آیات جهاد یا ناظر به جهاد دفاعیست و یا مربوط به واقعه خاصی در تاریخ بوده است. اما باید دانست که روایات پیامبر ﷺ نیز در نزد مسلمین به عنوان یکی از مصادر شریعت است و بیش از ۲۰۰ فرمان درباره جهاد با شمشیر که شامل جهاد ابتدایی به هدف پیشرفت عبادت الله می‌شد در روایات پیامبر ﷺ وجود دارد. (Shoebat, 2008, 53)

عیسی مسیح عليه السلام دومین شخصیت مهم آخرالزمانی در نزد مسلمانان است که البته بسیار متفاوت با عیسای تاریخی و مسیح عهدین است. از نگاه اسلام، عیسی نه منجی (savior) است و نه باز خریدکننده و رستگاری بخش (redeemer)، بلکه او تنها پیامبری مانند سایر پیامبران است. اسلام گرچه عنوان «مسیح» را برای عیسی عليه السلام از عهدین اتخاذ نموده اما این عنوان در تصویر سنت اسلامی از عیسی عليه السلام کاملاً تهی از معنای آن در سنت یهودی و مسیحی است. در سنت اسلامی عیسی عليه السلام نه ملت اسرائیل را به یهودیان بازمی‌گرداند و نه هدف او نجات پیروانش از ظلم‌های دجال است. (Shoebat, 2008, 54)

اما شباهت‌های مورد ادعای وی میان مهدی (در سنت اسلامی) و دجال (در عهدین) عبارتند از:

اهل سنت او را «فردی هدایت شده و منتظر» می‌دانند و شیعیان او را «صاحب الزمان» که به معنای مالک و صاحب عصر است می‌خوانند؛ «صاحب الزمان» دقیقاً صفت شیطان است که در عهد جدید (قرنتیان ۲: ۴: ۴) به عنوان «مالک عصر» آمده است. (Shoebat, 2008, 52)

هر دو منکر عقیده به تثلیث (باور مسیحیان به سه خدای پدر، پسر و روح القدس) هستند. (Shoebat, 2008, 57)

هر دو خدای پدر و پسر را انکار می‌کنند. (Shoebat, 2008, 59)

هر دو به مقدسات مسیحیت توهین می‌کنند. (Shoebat, 2008, 61)

هر دو گمراه‌کننده خوانده می‌شوند و از نیرنگ و فریب استفاده می‌کنند.

(Shoebat, 2008, 65)

هر دو ادعای مسیح بودن دارند. (Shoebat, 2008, 79)

فرمانروایی هر دو گذشته‌ای همراه با شکست داشته است. (Shoebat, 2008, 81)

هر دو معجزه و کارهای خارق‌العاده ارائه می‌کنند. (Shoebat, 2008, 83)

هر دو بر اسبی سفید سوار می‌شوند. (Shoebat, 2008, 84)

هر دو به دنبال تغییر قوانین هستند. (Shoebat, 2008, 85)

هر دو حقوق زنان را نادیده می‌گیرند. (Shoebat, 2008, 88)

هر دو بر ده حکومت با موجودیت مستقل حکمرانی می‌کنند. (Shoebat, 2008, 91)

هر دو منشأ مرگ و میر و جنگ هستند. (Shoebat, 2008, 92)

هر دو از نیروی نظامی استفاده می‌کنند. (Shoebat, 2008, 93)

هر دو خدای خویش را با پول و ثروت (طلا و نقره) احترام می‌کنند. وی سعی می‌کند قانون زکات اسلامی را مصداق این امر معرفی کند. (Shoebat, 2008, 95)

هر دو یک خدای جنگ را ستایش می‌کنند و برای جلال او به جنگ متوسل می‌شوند. (Shoebat, 2008, 97)

هر دو حرمت زنا را نادیده می‌گیرند. شعیبات قانون جواز نکاح اسرای جنگی را مصداق نادیده گرفتن زنا دانسته است. (Shoebat, 2008, 111)

هر دو یک صلح هفت‌ساله با مسیحیان خواهند داشت. وی به روایتی در معجم طبرانی استناد می‌کند که پیامبر ﷺ می‌فرمایند:

شما مسلمانان چهار پیمان صلح با رومیان خواهید بست که آخرین آن توسط یکی از نسل من خواهد بود که هفت سال طول خواهد کشید. (Shoebat, 2008, 114)

هر دو از صلح سوءاستفاده کرده و از آن برای تخریب استفاده می‌کنند. شعیبات با استناد به صلح حدیبیه و برخی فعالیت‌های گروه‌های جهادی سعی می‌کند ادعای خود را به مهدی نیز سرایت دهد. (Shoebat, 2008, 116)

هر دو پیمان‌نامه‌ها را می‌شکنند. شعیبات بدون ارائه هیچ مدرکی ادعا می‌کند که مهدی در مدت صلح به کشتار یهودیان برمی‌خیزد. (Shoebat, 2008, 125)

هر دو جنگ را برای به دست آوردن غنائم دوست دارند. (Shoebat, 2008, 128)

هر دو تسلط بر جهان را خواهندند. (Shoebat, 2008, 133)

هر دو یک تهاجم ترکی - ایرانی را رهبری می‌کنند. (Shoebat, 2008, 138)  
 هر دو به عنوان خدا ستوده می‌شوند. شیعیات حتی با استناد به معنای لغوی که ابن کثیر  
 برای واژه صلاة ارائه داده ادعا می‌کند که در آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...»  
 معنای عبادت مراد است! (Shoebat, 2008, 140)

هر دو به آسمان عروج می‌کنند. (Shoebat, 2008, 144)

هر دو به پرنده زیبا و دانا تشبیه می‌شوند. (Shoebat, 2008, 146)

ذات هر دو از نور است. شیعیات توصیف پیامبر ﷺ از مهدی ﷺ را که «المهدی طاووس  
 اهل الجنة علیه جلابیب النور» و توصیف عیسی از شیطان را که «هم چون برق از آسمان فرو  
 می‌افتاد» (عهد جدید، انجیل لوقا، ۱۰: ۱۸) یکسان می‌داند. (Shoebat, 2008, 148)

هر دو متکبر و مغرورند. شیعیات استفاده از وصف «متکبر» را در مورد خداوند که در  
 قرآن به کار رفته است وصفی منفی می‌داند و البته هیچ ارتباطی بین این وصف در  
 مورد خدا و بین مهدی که مورد بحث است برقرار نکرده است!  
 (Shoebat, 2008, 150)

هر دو مالک این جهان و جهان زیرین (دنیای ارواح و دیوها) هستند. شیعیات در این مورد  
 نیز به تعبیری چون «رب العالمین» استناد نموده (Shoebat, 2008, 151) که هیچ ربطی به  
 مهدی ندارد!

هر دو «فرزند صبحگاهان» خوانده می‌شوند. شیعیات با استناد به آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْقَلْقِ»  
 و عبارت عهد قدیم «ای ستاره صبح، ای پسر فجر، چگونه از آسمان افتاده‌ای؟! ای که ملت‌ها  
 را ذلیل می‌ساختی چگونه خود بر زمین افکنده شده‌ای؟!» (عهد قدیم، کتاب اشعیا: ۱۴: ۱۲)  
 سعی دارد اثبات کند که صفت خداوند در قرآن با صفت شیطان در عهد قدیم یکسان است. در  
 این مورد نیز وی تلاشی برای تسری این صفت به مهدی نمی‌کند. (Shoebat, 2008, 153)

هر دو از آسمان بیرون شده‌اند. شیعیات با استناد به آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سعی دارد  
 قرآن و شیطان را در وصف بیرون رانده شدن از آسمان یکسان بداند! (Shoebat, 2008, 155)

هر دو از روش گردن زدن استفاده می‌کنند. (Shoebat, 2008, 162)

هر دو به دنبال نابودی اسرائیل هستند. (Shoebat, 2008, 169)

هر دو تپه معبد (The Temple Mount) را در اورشلیم اشغال می‌کنند و آن را مرکز حکومت  
 خود قرار می‌دهند. (Shoebat, 2008, 174)

### نقد و بررسی ادعاهای شعیبیت

مبانی فکری ولید شعیبیت را که در گفته‌های او منعکس شده است را به طور کلی در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

اسلام را دینی شیطانی و غیر الهی می‌داند و از این رو سعی دارد شخصیت‌های اصلی اسلام را مطابق با ضد مسیح کتاب مقدس معرفی نماید. از نظر او پیامبر ﷺ فردی جنگو، شهوت‌ران و دروغ‌گوست که به دنبال گسترش حاکمیت شیطان و افکار و اعمال شیطانی در زمین بوده است.

خدای اسلام را در واقع شیطان می‌داند که در تضاد کامل با خدای مسیحیت و یهودیت است.

آموزه‌های اسلامی مانند جهاد را با حقوق بشر ناسازگار می‌پندارد و به هیچ وجه اسلام را دین صلح و دوستی نمی‌داند.

تنفرو دشمنی دیرینه اسلام و مسلمین نسبت به یهود یکی دیگر از پیش‌فرض‌های فکری اوست که فصل‌هایی از کتاب او را به خود اختصاص داده است.

از مجموع گفته‌های ولید شعیبیت که در بخش پیشین بیان شد، چنین به دست می‌آید که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دیدگاه او دارای ویژگی‌های زیر است:

رهبری دینی که نه تنها شیعیان بلکه بسیاری از اهل سنت نیز به او باور دارند.

فردی نظامی، خونریز و جنگ طلب.

یاران او حساسیت خاصی به یهودیان دارند و از کارهای مهم او حمله به اسرائیل و کشتار یهودیان است.

او پس از جنگ‌های طولانی رهبری کل جهان را به دست می‌آورد و خلافت اسلامی را برقرار نموده و در نتیجه همه مردم اعتقادات پیشین خود را انکار نموده و الله را خواهند پرستید.

او قوانین حاکم بر جهان را تغییر داده و تاریخ و زمان اسلامی را شکل دهی خواهد نمود.

بنابراین روشن است که مهم‌ترین عامل انحرافات فکری و استنباطات نادرست وی که در

ادامه تبیین خواهد شد، تصویر نادرست او از اسلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.



## نقد شباهت‌های مورد ادعای شعیبیت

در ادامه به بررسی و نقد شباهت‌های مورد ادعای وی میان مهدی (در سنت اسلامی) و دجال (در عهدین) که موضوع اصلی این نوشتار است می‌پردازیم. در مجموع این موارد ادعایی را می‌توان به ۷ دسته کلی که نحوه پاسخ‌گویی در هر کدام متفاوت است تقسیم نمود. البته بسیاری از شباهت‌های ۳۴ گانه مورد ادعای شعیبیت را می‌توان در بیش از یکی از دسته‌های زیر قرار داد که معنای آن، مضاعف بودن اشکالات وارد بر آن‌هاست.

شباهت‌هایی که به طور طبیعی می‌تواند بین اولیاء خدا و اولیاء شیطان مشترک باشد، مانند انکار عقاید باطل مسیحیت مانند تثلیث (۲)،<sup>۱</sup> خدای پدر و پسر (۳) و تصلیب عیسی (۴)، داشتن گذشته‌ای همراه با شکست (۷)، ارائه کارهای خارق‌العاده (۸)، تلاش برای تغییر قوانین (۱۰)، استفاده از نیروی نظامی (۱۴)، بهره‌گیری از مال و ثروت برای ستایش خداوند خویش (۱۵)، خواستار حاکمیت جهانی (۲۲)، به آسمان بالا رفتن (۲۵)، تشبیه شدن به پرنده زیبا و دانا (۲۶)، اعدام مجرمان به شیوه گردن زدن (۳۲)، برجیدن حکومت اسرائیل (۳۳) - (۳۴).

برداشت‌های ناروا و تهمت‌ها و افتراءاتی که شعیبیت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم نسبت داده است، مانند نادیده گرفتن حقوق زنان (۱۱)، منشأ جنگ و مرگ و میر بودن (۱۲) و ستایش خدای جنگ (۱۶)، نادیده گرفتن حرمت زنا (۱۷)، علاقه به جنگ برای رسیدن به غنائم (۲۱)، ستوده شدن به عنوان خدا (۲۴).

مواردی که مستند به روایات اسلامی نیست بلکه برخاسته از گفتار و یا رفتار برخی از گروه‌های اسلامی تندرو می‌باشد، مانند داشتن گذشته‌ای همراه با شکست (۷)، حکمرانی برده حکومت با موجودیت مستقل (۱۲)، سوءاستفاده از صلح (۱۹) و دوست داشتن جنگ برای به دست آوردن غنائم (۲۱).

شباهت‌های مستند به اسرائیلیات و روایات ضعیفی که عمدتاً در منابع اهل سنت نقل شده است، مانند صلح هفت‌ساله با مسیحیان (۱۸).

مواردی که هیچ مستندی ندارند و صرفاً ادعایی بی دلیل هستند مانند سوار شدن بر اسب

۱. شماره‌های مورد ارجاع در تبیین شباهت‌های مورد ادعای شعیبیت مطابق همان شماره‌هایی است که در فصل قبل آمده است.

سفید (۹) و مورد شماره (۲۰) که شعیبات بدون ارائه هیچ مدرکی ادعا می‌کند که مهدی در زمان صلح با یهودیان به کشتار آن برمی‌خیزد.

مواردی که وجه شبه بسیار ضعیف و حتی ساختگی است، مانند مورد شماره (۲۷) که شعیبات ادعا دارد ذات هر مهدی و دجال از نور توصیف شده است، در حالی که برای اثبات ادعای خود درباره دجال صرفاً به توصیف حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام از شیطان که «همچون برق از آسمان فرو می‌افتاد» (عهد جدید: انجیل لوقا: ۱۰: ۱۸) استناد نموده است. بسیار واضح است که این سخن منسوب به حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به هیچ وجه بیانگر ذات نورانی دجال نیست. مواردی که یک طرف تشبیه اصلاً حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیست. مانند متکبر بودن (۲۸) و از آسمان رانده شدن (۳۱).

در جدول زیر این دسته‌ها و نحوه پاسخ به آن‌ها به اختصار نشان داده شده است.

دسته	ویژگی هر دسته از شباهت‌های ادعایی مهدی و دجال	پاسخ اجمالی
۱	مشترک بین اولیاء خدا و اولیاء شیطان	عدم دلالت تشبیه بر مدعا
۲	برداشت‌های ناروا و تهمت‌ها و افتراات	عدم وجود دلیل کافی برای اثبات وجه شباهت در مشبّه به
۳	غیرمستند به روایات اسلامی	
۴	مستند به اسرائیلیات و روایات ضعیف اهل سنت	
۵	ادعاهای بدون دلیل	
۶	وجه شبه بسیار ضعیف و حتی ساختگی	
۷	یک طرف تشبیه اصلاً حضرت مهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small> نیست	یکسان نبودن مشبّه به با مورد ادعایی

### پاسخ تفصیلی به دسته اول

همان‌طور که از مطالب فوق روشن می‌شود، دسته اول شباهت‌های مورد ادعای شعیبات، صرفاً برای زیاد جلوه دادن شباهت‌ها بیان شده است و نمی‌توان اثبات‌کننده مدعا باشد. این بسیار طبیعی است که جناح حق و باطل در برخی از عقاید، موضع‌گیری‌ها و خصوصیات شباهت‌هایی به یکدیگر داشته باشند. مگر حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و یهودیانی که به کشتن او اقدام نمودند چنین شباهت‌هایی نداشتند؟! آیا هر دو به عهد عتیق، تقدس معبد سلیمان و موارد بسیار زیاد دیگری معتقد نبودند؟!

بنابراین به طور طبیعی شباهت‌های زیادی می‌تواند بین اولیاء خدا و اولیاء شیطان وجود داشته باشد. ممکن است هر دو عقاید اختصاصی مسیحیان را باور نداشته باشند (مورد ۲، ۳ و ۴) و از نیروی نظامی (۱۴) و اموال و ثروت (۱۵) برای پیش برد اهداف خویش استفاده کنند. به

طور طبیعی هر دو جناح حق و باطل به دنبال گسترش عقاید خویش در سطح جهانی (۲۲)، برچیدن حکومت اسرائیل (۳۳ و ۳۴) و تغییر قوانین حاکم هستند (۱۰) و چه بسا در این راه با شکست‌هایی نیز روبرو بوده‌اند (۷).

از سوی دیگر، این که جناح باطل پیشوای خود را به چیزهایی تشبیه کنند که پیش از آن، مقتدای جناح حق بدان متصف شده است، هیچ دلیلی بر هماهنگی این دو جناح نیست. بنابراین بسیار طبیعی است که جناح باطل نیز مقتدای خود را به پرنده زیبا و دانا تشبیه کند (۲۶) و یا از بالا رفتن او به آسمان (۲۵) سخن بگوید.

در رابطه با اعدام مجرمان به شیوه گردن زدن (۳۲) نیز باید دانست که آن چه در روایات مهدوی وجود دارد تنها این است که حضرت مهدی عج به کمک شمشیر با معاندان راه حق می‌جنگد و نمی‌توان به طور دقیق گفت که آیا مراد همان معنای لفظی «شمشیر» است و یا این که کنایه از مطلق به‌کارگیری سلاح و نیروی نظامی مورد عنایت بوده است و در نتیجه نمی‌توان این مورد را شباهت مجزایی برشمرد.

نکته مهمی که در پاسخ به این دسته از شباهت‌های ادعایی باید مد نظر داشت، این است که گرچه ممکن است ابزارها، شیوه‌ها و رفتارهای مشابهی از دو جناح بروز پیدا کند و مورد استفاده قرار بگیرد اما مهم این است که هدف آن دو چه بوده است؟ مطابق روایات متواتر و بلکه مسلمات اسلام، حضرت مهدی عج به دنبال گسترش عدل، اخلاق‌مداری و حقانیت در سایه توحید است و دجال کاملاً به عکس به دنبال نابودی ارزش‌ها و باور توحیدی است.

### پاسخ تفصیلی به دسته دوم

دسته دوم شباهت‌های ادعایی شعیبات صرفاً برداشت‌های ناروا، تهمت‌ها و افتراءاتی که شعیبات به حضرت مهدی عج نسبت داده است. یکی از این موارد، مسئله ستوده شدن حضرت مهدی عج به عنوان خداست (۲۴). این اتهام آن قدر واضح البطلان و متضاداً با همه باورهای اسلامی است که نیازی به پاسخ ندارد. اما عمده موارد این دسته به مسئله جهاد در اسلام (۱۲، ۱۶ و ۲۱) و حقوق زن (۱۱) بازگشت دارد.

در رابطه با مسئله جهاد در اسلام باید گفت که مفهوم جهاد در فرهنگ غرب و جهاد در فرهنگ اسلام، متفاوت است. در فرهنگ اسلامی، انسان مؤمن برای نجات ایمان خود، هجرت می‌کند و برای نجات ایمان جامعه، جهاد را بر می‌گزیند. فلسفه هجرت و جهاد در

اسلام نشان می‌دهد که این دو عنصر اصیل در برابر دشمنان بوده است. اگر هجرت نبود، اسلام در مکه از بین می‌رفت و اگر جهاد نبود، اسلام هیچ‌گاه رشد و نمو پیدا نمی‌کرد. اما هجرت و جهاد در فرهنگ غرب، قصه دیگری دارد. این دو مقوله هم در شیوه بهره‌برداری و هم در تعیین قلمرو، هم‌چنان دگرگون شده و مشکل بزرگی برای جهان شده است و آن را با مفاهیم دیگری چون ترور و خشونت یکسان می‌پندارند. آنها وقتی به حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پردازند، فوراً جهاد ایشان را به فرهنگ خود تطبیق می‌کنند و می‌گویند که دجال و مهدی هر دو جهاد می‌کنند و هدف هر دو رسیدن به قلمرو، زمین و غنائم است؛ در صورتی که این اصلاً با آن چیزی که روایات می‌گویند مطابقت ندارد، زیرا خود ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گویند که ما برای قسط عدل و داد قیام می‌کنیم نه برای کشورگشایی. امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف تبیین هدف خود از قیام عاشورا چنین فرمودند:

إني لم أخرج بطرا ولا أشرا ولا مفسدا ولا ظالما وإنما خرجت أطلب الصلاح في أمة جدي.

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ش: ۸۹)

علاوه بر این، با بررسی آیات مربوط به تعامل با اهل کتاب و سیره پیامبر گرامی اسلام در غزوات، به این نتیجه می‌رسیم که اولاً و بالذات جهاد برای دفاع از کیان اسلام و مسلمانان است و از آن‌چه که تعبیر به جهاد ابتدایی شده است در حقیقت جهاد پیشگیرانه، یا پیش‌دستانه است. به عبارت دیگر اگر مسلمانان احساس کنند که در آینده خطر جدی از ناحیه‌ای آنان را تهدید خواهد کرد، برای مقابله با خطر آینده جهاد می‌کنند. این در حقیقت جهاد ابتدایی نیست، بلکه دفاع پیش‌دستانه است. و الا اساس دعوت اسلام بر منطق و فطرت نهاده شده است و مسلمانان موظف هستند که با حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن انسان‌ها را به اسلام دعوت کنند. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۸ ش: ۱۱۱)

آن‌چه در زمینه کشتار و به خصوص شیوه کشتن موعود اسلامی گفته شده صحت نداشته و بی‌اساس است. به عکس مطابق روایات اسلامی بسیاری از مردم به واسطه رفتار نیکو و حجت‌هایی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقامه می‌کند به ایشان ایمان آورده و پیرو امام می‌شوند. تنها عده کمی که به واسطه عناد مقابل امام می‌ایستند به مجازات خویش می‌رسند.

به نظر می‌رسد، این کتاب به ظاهر علمی، اهداف پشت پرده هجمه غرب علیه اسلام را دارد، به صورتی که در همه این کتاب چنین وانمود می‌شود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جنگ جهانی را علیه غرب راه‌اندازی می‌کند و مردم به ویژه یهودیان و مسیحیان را می‌کشد و ایران و

لبنان نیز به آن حضرت کمک می‌کنند و از این رو ایران به دنبال انرژی اتمی است تا بتواند امام مهدی علیه السلام را کمک کنند و همه دشمنان را از بین ببرند.

اما در رابطه با حقوق زنان در اسلام مقالات و کتب متعددی نگاشته شده و پاسخ به شبهات آن به طور تفصیلی داده شده است. به طور خلاصه در این جا اشاره می‌شود که دین اسلام و قوانین اسلامی از کامل‌ترین مقررات درباره زنان برخوردار است. اسلام با احترام به تفاوت‌های طبیعی موجود در زنان چه به لحاظ جسمی و چه به لحاظ روحی قوانین متناسب با آنان تدوین نموده و مردان را به حمایت مادی و معنوی از آنان چه در شرایط عادی و چه در بحران‌هایی چون جنگ‌ها موظف نموده است.

#### پاسخ تفصیلی به دسته سوم

دسته سوم مواردی است که مستند به روایات اسلامی نیست بلکه برخاسته از گفتار و یا رفتار برخی از گروه‌های اسلامی تندرو مانند داشتن گذشته‌ای همراه با شکست (۷)، حکمرانی برده حکومت با موجودیت مستقل (۱۲)، سوءاستفاده از صلح (۱۹) و دوست داشتن جنگ برای به دست آوردن غنائم (۲۱) می‌باشد. بنابراین استناد به این موارد برای اثبات شباهت میان مهدی و دجال کاملاً اشتباه است.

#### پاسخ تفصیلی به دسته چهارم

دسته چهارم موارد ادعایی شعیبیت شباهت‌های مستند به اسرائیلیات و روایات ضعیفی است که عمدتاً در منابع اهل سنت نقل شده‌اند. صلح هفت‌ساله با مسیحیان (۱۸) تنها موردی از این دسته است که در کتاب شعیبیت آمده است. در رابطه با این مورد باید گفت حدیث مورد استناد ریچاردسون جایگاه مهمی در میان روایات اسلامی و نزد علمای مسلمان ندارد. این حدیث منبع مستقل شیعی نداشته و اولین ناقل حدیث در میان اهل سنت، طبرانی (طبرانی، ۸، ۱۰۱، رقم ۷۴۹۵) است که کتب او در میان جوامع حدیثی عامه جایگاه چندانی ندارد. بقیه کتب متأخر هم با تفاوت مختصری همان متن طبرانی را نقل نموده‌اند. (دهقانی، ۱۳۹۶ ش: ۹۸)

#### پاسخ تفصیلی به دسته پنجم

مواردی که هیچ مستندی ندارند و صرفاً ادعایی بی دلیل هستند مانند سوار شدن بر اسب

سفید (۹) و مورد شماره (۲۰) که شعیبات بدون ارائه هیچ مدرکی ادعا می‌کند که مهدی در زمان صلح با یهودیان به کشتار آن برمی‌خیزد.

در رابطه با ادعای سوار شدن حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی ورجه‌الشریف بر اسب سفید باید گفت که سوار بر اسب سفید بودن در هیچ یک از احادیث موجود نیست و اگر بر زبان کسی هم جاری شده باشد از باب تمثیل بر شخص نجات بخش است (چنان که این موضوع در ادبیات نجات بخش ادیان و مکاتب دیگر نیز دیده می‌شود) ظاهراً ریچاردسون این موضوع را می‌دانسته و برای استناد خود به جای احادیث اسلامی تنها به گفته یکی از علمای اسلامی اشاره نموده است، با این وجود وی همین موضوع را یکی از مؤلفه‌های تشابه ضد مسیح و مهدی اسلامی تکرار می‌نماید. (دهقانی، ۱۳۹۶ ش: ۹۸)

#### پاسخ تفصیلی به دسته نهم

مواردی که وجه شبه بسیار ضعیف و حتی ساختگی است، مانند مورد شماره (۲۷) که شعیبات ادعا دارد ذات هر مهدی و دجال از نور توصیف شده است، در حالی که برای اثبات ادعای خود درباره دجال صرفاً به توصیف حضرت عیسی علیه‌السلام از شیطان که «هم چون برق از آسمان فرو می‌افتاد» (عهد جدید، انجیل لوقا، ۱۰: ۱۸) استناد نموده است. بسیار واضح است که این سخن منسوب به حضرت عیسی علیه‌السلام به هیچ وجه بیانگر ذات نورانی دجال نیست.

#### پاسخ تفصیلی به دسته هفتم

دسته هفتم مواردی است که یک طرف تشبیه اصلاً حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی ورجه‌الشریف نیست. خیلی عجیب است که شعیبات مواردی چون متکبر بودن را وجه شباهت دجال و مهدی دانسته (۲۸) و برای اثبات ادعای خود به وصف «متکبر» خداوند در قرآن (حشر: ۲۳) استناد نموده و هیچ ارتباطی بین این وصف در مورد خدا و بین مهدی که مورد بحث است برقرار نکرده است! جدای از این که او معنای «متکبر» را در این آیه به کلی اشتباه برداشت نموده است. «متکبر» از ماده «تکبر» به دو معنی آمده است: یکی ممدوح که در مورد خداوند به کار می‌رود، و آن دارا بودن بزرگی و کارهای نیک و صفات پسندیده فراوان است، و دیگری نکوهیده و مذموم که در مورد غیر خدا به کار می‌رود و آن این است که افراد کوچک و کم مقدار ادعای بزرگی کنند، و صفاتی را که ندارند به خود نسبت دهند، و از آن جا که عظمت و بزرگی تنها شایسته مقام خدا است این واژه به معنی ممدوحش تنها درباره او به کار می‌رود و هرگاه در

غیر مورد او به کار رود به معنی مذموم است. (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۲۳، ۵۵۴)

نمونه دیگر این شباهت ادعایی شیعیات است که مهدی و دجال، هر دو مالک این جهان و جهان زیرین (دنیای ارواح و دیوها) هستند (۲۹). شیعیات در این مورد نیز به تعبیری چون «رب العالمین» استناد نموده (Shoebat, 2008, 151) که هیچ ربطی به مهدی ندارد! در مورد «فرزند صبحگاهان» خوانده شدن مهدی (۳۰) نیز وی به آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» استناد نموده و تلاشی برای تسری این صفت به مهدی نمی‌کند. (Shoebat, 2008, 153)

ادعای عجیب دیگر او این است که مهدی را مانند دجال، از آسمان بیرون رانده شده می‌خواند. شیعیات با استناد به آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سعی دارد قرآن و شیطان را در وصف بیرون رانده شدن از آسمان یکسان بدانند! (۳۱) جدای از این که این وصف ربطی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف ندارد، پُر واضح است که معنای این آیه شریفه نزول حقائق والای قرآن از ناحیه خداوند است و به هیچ وجه دلالت بر رانده شدن از آسمان ندارد! قرآن نازل شده برای هدایت آدمیان صورت تنزل یافته همان حقیقت والای آسمانی امّ الكتاب است که خداوند می‌فرماید:

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ\* وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلَىٰ حَكِيمٍ»  
(زخرف: ۳-۴)

### نتیجه‌گیری

شیعیات و همفکران او مانند ریچاردسون سعی دارند شباهت‌های زیادی میان مهدی و دجال برشمارند. در این تحقیق به ۳۴ مورد از این موارد که در کتاب او آمده اشاره شد. با بررسی موارد مورد ادعای وی، واضح شد که می‌توان همه آن‌ها را در هفت دسته تقسیم‌بندی نمود و پاسخ‌های مقتضی را به آنها داد.

## منابع

## قرآن کریم

- کتاب مقدس، انگلیس، انتشارات ایلام، ۱۹۹۶ م.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.
- دهقانی، نقد نظریات تیموتی فرنیس و ریچاردسون در زمینه مهدویت، پایان نامه سطح سه، ۱۳۹۶ ش.
- طبرانی، المعجم الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۱ م.
- علیزاده موسوی، سیدمهدی، وارونگی با تأکید بر مبانی داعش، بی جا، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
- Di Cesare, Michelina, The pseudo-historical image of the Prophet Muhammad in medieval Latin literature: a repertory, Walter de Gruyter GmbH & Co. KG, Berlin/Boston, 2011.
- Shoebat, Walid, God's War on Terror; Islam, Prophecy and the Bible, 2008.